



A phenomenological Study of the Factors of Learning Weakness with Respect to the Lived Experiences of Secondary School Female Students

Mohammad Amini^{*1}, Madani Ahmad², Fatemeh Baghshekhi^r

¹ *Associate Professor, Department of Educational Sciences, Kashan University.

² Assistant Professor, Department of Educational Sciences, Kashan University

³ Master of Educational Management. High school education assistant

Corresponding author: amini@kashanu.ac.ir

Received:
2021/07/05

Accepted:
2021/10/05

Published:
2021/10/05

Abstract

Background and Objectives: It is obvious that effective and efficient learning and desirable academic performance of students depends on the existence of a set of educational and non-teaching factors that their lack poses a serious obstacle to learning and realization of intended goals and objectives. The present study attempts to determine the most important factors affecting learning weakness and academic performance of second-grade female students based on the lived experiences of students in this level.

Methods: The general approach to this research is qualitative in terms of its nature and purpose, during which the data were collected by a semi-structured interview with 22 female secondary school students.

Findings: The seven-step Colaizzi method was used to analyze the obtained data. Analysis of the data showed that the most important factors related to the learning weakness of female high school students can be expressed and discussed in three themes or general themes. That is, individual factors (lack of academic and study planning skills, inability to decide and solve problems and purposeful planning for the future, the basic weakness of previous years' courses, lack of focus in the classroom and etc). School factors (weakness of teachers, evaluation method, condition of classrooms, textbooks, etc.) and extracurricular factors (family problems, excessive use of mobile and cyberspace, the impact of friends and peers and major problems of the educational system) can be abstracted.

Conclusion: Obviously, using a set of scientific solutions to deal with these factors can improve and enhance the learning of female students.

KEYWORDS: Phenomenology, Qualitative Study, Learning Weakness, Academic Achievement, Female Students

مقاله پژوهشی

مطالعه پدیدارشناسانه عوامل ضعف یادگیری با تمرکز بر تجارب زیسته

دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم

محمد امینی^{۱*}، احمد مدنی^۲، فاطمه باغشینی^۳^۱ *دانشیار گروه علوم تربیتی دانشگاه کاشان.^۲ استادیار گروه علوم تربیتی دانشگاه کاشان.^۳ کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی. معاون آموزشی دبیرستان

*نویسنده مسئول: amini@kashanu.ac.ir

دریافت:

پذیرش:

انتشار:

۱۴۰۰/۰۴/۱۴

۱۴۰۰/۰۷/۱۳

۱۴۰۰/۰۷/۱۳

Doi: 10.22034/cjppj.2021.13628

چکیده

پیشینه و اهداف: یادگیری و پیشرفت تحصیلی مناسب دانش آموزان به عنوان مهم‌ترین هدف نظام‌های آموزشی، منوط به وجود مجموعه‌ای از عوامل مساعد آموزشی و غیرآموزشی است که فقدان آنها موجب عدم پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و به هدر رفتن منابع سازمانی آموزش و پرورش کشور می‌شود. پژوهش حاضر با استناد به ادراکات و تجارب زیسته و پدیدارشناختی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم به واکاوی مهم‌ترین عوامل موثر بر ضعف یادگیری و پیشرفت تحصیلی پرداخته است.

روش‌ها: تحقیق با توجه به ماهیت و هدف آن از نوع پژوهش کیفی مبتنی بر نظریه زمینه‌ای است که داده‌های آن با رعایت اصل اشباع نظری، از طریق مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته با ۲۲ دانش آموز دختر مقطع متوسطه دوم گردآوری شد که با روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شده بودند.

یافته‌ها: برای تجزیه و تحلیل داده‌های بدست آمده از روش هفت مرحله‌ای کلایزی استفاده شد. واکاوی داده‌ها نشان داد که مهم‌ترین عوامل مرتبط با ضعف یادگیری دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم در سه مضمون یا درون‌مایه کلی یعنی عوامل فردی (فقدان مهارت برنامه‌ریزی تحصیلی و مطالعه، ناتوانی در تصمیم‌گیری و حل مسئله و برنامه‌ریزی هدفمند برای آینده، ضعف پایه ای دروس سالهای قبل، عدم تمرکز در کلاس و موقع درس خواندن و...)، عوامل مدرسه‌ای (ضعف دبیران، نحوه ارزشیابی، وضعیت فضاهای کلاسی، کتب درسی و...) و عوامل برون مدرسه‌ای (مشکلات خانوادگی، درگیری با موبایل و فضای مجازی، تاثیر دوستان و گروه همسالان و معضلات کلان نظام آموزشی) قابل انتزاع و بررسی است.

نتیجه‌گیری: بدیهی است بکارگیری مجموعه‌ای از راهکارهای علمی جهت مقابله با عوامل یاد شده می‌تواند بهبود یادگیری دانش آموزان دختر را به دنبال داشته باشد.

کلمات کلیدی: پدیدارشناسی، مطالعه کیفی، ضعف یادگیری، پیشرفت تحصیلی، دانش آموزان دختر

مقدمه

در مورد نقش و جایگاه اساسی یادگیری^۱ در ارتقای اثربخشی و کارایی نظام های آموزشی و شکوفایی استعداد های دانش آموزان هیچ تردیدی وجود ندارد. در واقع، اگر یادگیری به درستی و کیفیت لازم در فراگیران اتفاق افتد، علاوه بر تحقق اهداف مورد نظر آموزش و پرورش در ابعاد مختلف، بسترهای مناسبی نیز برای رشد و بروز قابلیت های متنوع و متکثر دانش آموزان فراهم می شود که طبعاً در مراحل بعدی مورد استفاده جامعه در بخش های گوناگون اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی قرار می گیرد. از این منظر، می توان گفت که در عصر حاضر کیفیت و کمیت یادگیری و تحصیل نقش مهمی در آینده افراد ایفا می کند. حدود یک قرن است که به صورت گسترده تلاش می شود تا عوامل پیش بینی کننده آن و پیشرفت تحصیلی شناسایی گردد (فرنیا، اقدسی و شوشتری، ۱۳۹۲).

یکی از اصلی ترین و عینی ترین شاخص های یادگیری دانش آموزان در قالب پیشرفت تحصیلی^۲ آنها تجلی می یابد. به بیان دیگر، مصداق یا نتیجه یادگیری دانش آموزان را می توان از طریق توجه و اندازه گیری پیشرفت تحصیلی آنان بررسی کرده است و در صورت لزوم اقدامات اصلاحی لازم را جهت افزایش آن و کیفیت بخشی یادگیری انجام داد تا از این طریق، مشکلات و تنگناهای موجود مدارس برطرف شده و دانش آموزان معیارهای یادگیری کیفی مورد نظر را محقق کنند. باید دانست که اساساً هدف از آموزش دانش آموزان افزایش پیشرفت تحصیلی آنهاست و هر ساله مبالغ زیادی از درآمد ملی دولت ها و نیز خانواده ها در این عرصه هزینه می شود (وحیدی و براتعلی، ۱۳۹۶). در همین راستاست که تاکید شده سرمایه گذاری، برنامه ریزی و رفع موانع و مشکلات آموزش و پرورش و یادگیری، از حساس ترین و مهم ترین وظایف مسئولان مربوطه بوده و باید از اولویت ویژه ای برخوردار باشد (محمدامینی، ۱۳۹۲). در عین حال، باید اذعان داشت که هر نوع فعالیت تربیتی در صورتی موفق خواهد بود که مبتنی بر شناختی نسبتاً مقبول و قابل دفاع از انواع یادگیری دانش آموزان بوده و این یادگیری معمولاً به وسیله عملکرد تحصیلی آنها مورد سنجش قرار می گیرد (تلخایی، ۱۳۹۴).

در مجموع، پیشرفت تحصیلی فرآیندی ناظر به چگونگی انجام فعالیت های تحصیلی دانش آموزان در محیط های آموزشی است که از جمله آنها می توان به چگونگی انجام تکالیف درسی، پاسخ های کتبی، حضور پیوسته در کلاس درس، رعایت نظم در کلاس و مشارکت در فعالیت های گروهی و انفرادی اشاره کرد که برآیند آنها به پیشرفت تحصیلی دانش آموز گره خورده است (زارع و شفیع، ۱۳۹۰). از دیدگاه سیف (۱۳۹۲) افزایش پیشرفت تحصیلی به معنای موفقیت دانش آموزان است به این معنا که تا چه اندازه در رسیدن به اهداف دوره آموزشی موفق بوده اند. همچنین، عملکرد تحصیلی در هر جامعه نشان دهنده موفقیت نظام آموزشی در زمینه هدف یابی و توجه به رفع نیازهای فردی است؛ بنابراین، نظام آموزشی را زمانی می توان کارآمد دانست که عملکرد تحصیلی فراگیران آن در دوره های مختلف در سطح مطلوب باشد. همچنین، به لحاظ کمی، عملکرد تحصیلی به توانایی کلی فرد در موضوعات آموزشی اطلاق می شود که

1. Learning

2. Academic Achievement

از طریق آزمون‌های استاندارد یا معلم ساخته اندازه گیری و مشخص می‌شود (اسلاوین، ۲۰۱۷؛ موسوی نژاد، ۱۳۷۶). در عین حال، شناسایی آن دسته از عوامل و متغیرهایی که مرتبط با یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است، از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار می‌باشد. به عبارت دیگر، کشف و مطالعه متغیرهای تأثیرگذار بر پیشرفت تحصیلی به شناخت بهتر و پیش بینی متغیرهای مؤثر در مدرسه می‌انجامد. بدیهی است یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین متغیرها کیفیت عملکرد معلمان است (متیو، بلازار و هوگان^۱، ۲۰۱۸)؛ اما متغیرهای مهم دیگری نیز با پیشرفت تحصیلی رابطه دارد که بررسی آنها یکی از محورهای همیشگی تحقیقات در نظام آموزش و پرورش است (علی بخشی و زارع، ۱۳۸۹). با چنین نگاهی است که صاحبی (۱۳۹۳) معتقد است وجود یک محیط یادگیری غنی و سرشار از محرک‌های مختلف که طی آن دانش‌آموزان تجارب مثبتی همچون کشف کردن، برقراری پیوند و ارتباط با یکدیگر، حق انتخاب، فعالیت آزاد و احساس شایستگی و کفایت را تجربه می‌نمایند، زمینه‌هایی را برای افزایش پیشرفت تحصیلی آنان فراهم می‌سازد. همچنین مقیمی و همکاران (۱۳۸۹) نیز خاطر نشان می‌سازند که رویکرد معلمان در آموزش که طی آن بسترهای لازم برای پژوهش، جستجوگری، مشاهده کردن، تجربه و آزمایش دانش‌آموزان فراهم می‌شود، باعث افزایش موفقیت تحصیلی آنها شده و بالعکس تأکید بیش از اندازه بر روش‌های تدریس و یادگیری غیر فعال باعث انفعال فراگیران و از بین رفتن خلاقیت و ابتکار شده که اثر خود را به صورت پیشرفت تحصیلی ضعیف نشان می‌دهد. برهانی زرنندی (۱۳۹۲) نیز با استناد به دیدگاه انتویستل، سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان، میزان گرایش آنها به درس، دانش، تجربه علاقه معلمان به تدریس، نحوه ارزشیابی، میزان آزادی و حق انتخاب دانش‌آموزان و حمایت آموزشی از یادگیرندگان را به عنوان عواملی مطرح می‌کند که در افزایش پیشرفت تحصیلی نقش قابل توجهی دارند.

از سوی دیگر، پژوهش‌های متعدد نشان داده اند که عوامل گوناگونی بر عملکرد تحصیلی تأثیر دارند. محمودیان، عباسی و کبورانی (۱۳۹۷) در تحقیق خود ارتباط معنادار اشتیاق عاطفی، شناختی و رفتاری یادگیرندگان را با فرسودگی تحصیلی مورد تأیید قرار داده و تصریح کرده اند که با افزایش اشتیاق عاطفی میزان فرسودگی تحصیلی کاهش می‌یابد. یافته‌های تحقیق نیرومند علی بابالو (۱۳۹۷) نشان داد که بین هیجان‌های تحصیلی مثبت، تاب‌آوری تحصیلی و خودکارآمدی تحصیلی با اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان رابطه مثبت معناداری و بین هیجان‌های تحصیلی منفی با اشتیاق تحصیلی دانش‌آموزان رابطه منفی معناداری وجود دارد. همچنین نتایج پژوهش کجباف و همکاران (۱۳۸۲) نشان داد که خود تنظیمی، خودکارآمدی و اضطراب امتحان بهترین پیش‌بینی‌کننده‌های پیشرفت تحصیلی هستند و بین باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد. بهرنگی و صیدی (۱۳۹۶) در پژوهش خود تأثیر آموزشی و پرورشی الگوی مدیریت آموزش خودراهبر را بر یادگیری خود راهبر و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان نشان دادند. گیل و همکاران^۲ (۲۰۰۶) در فراتحلیل خود نشان دادند که ارتباط میان معلمان و دانش‌آموزان نقش اساسی در یادگیری شناختی و عاطفی

1. Matthew, Blazar., & Hogan

2- Gayle et al.

دانش‌آموزان دارد. از دیدگاه محققان مذکور، یکی از مهم‌ترین عناصر ارتباطی به موقع و مناسب بودن رفتار معلمان به ویژه رفتار غیر کلامی آنان است. دانش‌آموزان وقتی احساس کنند که درک می‌شوند و مورد تصدیق و احترام قرار می‌گیرند برای یادگیری انگیزش پیدا می‌کنند و بهتر یاد می‌گیرند. آلوارز^۱ و همکاران (۲۰۱۲) در مطالعه خود به مواردی نظیر عوامل روانی، آموزش، عوامل رشدی، خانوادگی، اقتصادی، سازمانی و اجتماعی اشاره کرده‌اند که در رشد یادگیری دانش‌آموزان نقش مهمی ایفا می‌کنند.

لرنر و کالینا^۲ (۲۰۱۳) در تحقیق خود نشان دادند که اصولاً یادگیری و رشد دانش‌آموزان متأثر از تعامل میان عوامل محیطی، ارتباطات، فرصت‌های یادگیری مورد استفاده در داخل و خارج مدرسه، فرآیندهای عاطفی، اجتماعی و شناختی موجود در محیط‌های آموزشی است. پی^۳ (۲۰۱۴) هم نشان داد که یکی از مهم‌ترین عوامل موثر بر یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان و غلبه بر مشکلات آن استفاده از راهبردهای فراشناختی یادگیری است. چان و سیدهو^۴ (۲۰۱۴) وجود مشکلاتی همچون چالش‌های شناختی، تبدیل شدن به یک یادگیرنده فعال و همیشگی، مطالعه دقیق موضوعات درسی، مشکلات مربوط به تدریس معلمان، موانع زبانی، مدیریت زمان، حجم سنگین تکالیف درسی و برخورد با فرهنگ‌های متفاوت را به عنوان مشکلات اصلی یادگیری دانش‌آموزان معرفی می‌کنند. کاپور^۵ (۲۰۱۸) در تحقیق خود تاکید می‌کند که دانش‌آموزان در همه مقاطع، پایه‌ها و دروس خود با مشکلات خاصی در زمینه یادگیری مواجه هستند. آنچه مهم است اینکه معلمان و کادر مدرسه از آگاهی، دانش و مهارت‌های عملی لازم جهت حل موفقیت‌آمیز مشکلات یادگیری دانش‌آموزان برخوردار باشند. بنابراین، ضرورت دارد که افراد فوق با ناتوانی‌های مربوط به یادگیری، سطح رشد، ویژگی‌های روانی و روحی دانش‌آموزان، نحوه مدیریت کلاس درس، ارائه آموزش‌های متفاوت برای یادگیرندگان مختلف و به کارگیری نوآوری و خلاقیت حین آموزش آشنایی کامل داشته باشند. تانگوکسیم و عبدوراجک^۶ (۲۰۱۸) در پژوهش خود نشان دادند که معلمان تازه کار برای موفقیت بیشتر و ایجاد یادگیری در دانش‌آموزان خود به کسب و ارتقای صلاحیت‌های تدریس نیاز داشته و در عین حال باید یادگیری‌های دانش‌آموز محور، شایستگی‌های شخصیتی، دانش موضوعی، دانش روش تدریس و سطح انگیزش کاری خود را افزایش دهند. به هر حال، با توجه به مبانی نظری و پژوهشی فوق به نظر می‌رسد واکاوی در عوامل ضعف تحصیلی، در گذر زمان و شرایط متفاوت اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی هر دوره ضرورت دارد. همان‌طور که هتی^۷ (۲۰۰۹) اشاره کرده است بررسی نمونه‌های بزرگ نشان‌گر آن است که تقریباً هر عاملی با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان ارتباط دارد. به همین دلیل، هتی معتقد است باید در هر بافت آموزشی، مهم‌ترین عوامل اثرگذار بر پیشرفت تحصیلی افراد را شناسایی کرد تا بدین ترتیب، امکان سیاست‌گذاری و اتخاذ تدابیر اثربخش‌تر فراهم شود؛ اما نقد جدی و مهم بر این رویکرد، تناسب آن با

1. Alvarez

2. Lerner & Callina

3. Pei

4. Chan & Sidhu

5. Kapur

6. Tanguku Kasim & Abdurajak

7. Hatti

سنت پژوهش‌های کمی است که در آن تحقیق به تعیین اندازه اثر متغیرهای پیشین محدود می‌گردد و عوامل تازه‌ای شناسایی نمی‌شود. به همین دلیل، کانون تمرکز تحقیق حاضر، تجارب زیسته و انفرادی دانش‌آموزان است که لزوماً در چارچوب متغیرهای کمی پیشین قرار نمی‌گیرند؛ بنابراین، هدف این تحقیق مستندسازی عوامل مرتبط با ضعف یادگیری دانش‌آموزان و ارائه تصویری روشن از چالش‌های موجود در بافت و زمینه مدارس ایرانی است.

روش‌شناسی تحقیق

روش تحقیق

این پژوهش پدیدارشناسانه که در سنت پژوهش‌های کیفی قرار می‌گیرد، ضمن واری تجارب زیسته و اندیشیده دانش‌آموزان در صدد شناسایی مهم‌ترین عوامل دخیل در یادگیری آنها است.

جامعه آماری و نمونه

داده‌های تحقیق از طریق مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با نمونه‌ای متشکل از ۲۲ دانش‌آموز دختر مقطع متوسطه دوم جمع‌آوری شد که از طریق روش نمونه‌گیری هدفمند انتخاب شدند. به دانش‌آموزان مشارکت‌کننده ضمن بیان هدف پژوهش، تاکید شد که هیچگونه محدودیت و اجباری برای مصاحبه وجود نداشته و با اعتماد و علاقه در این تحقیق شرکت و ادراکات خود را راحت و صمیمانه در میان بگذارند. در انتخاب مشارکت‌کنندگان تلاش شد دانش‌آموزانی انتخاب شوند که قدرت بیان و تجزیه و تحلیل خوبی داشته و قادر به انتقال تجارب مرتبط با علل ضعف پیشرفت تحصیلی باشند. البته در شناسایی این دانش‌آموزان از راهنمایی دبیر درس «تفکر و سواد رسانه» و برخی از دبیران که شناخت خوبی از دانش‌آموزان داشتند استفاده شد. بدین ترتیب نمونه هدفمندی با رعایت تنوع رشته، پایه و معدل برای انجام مصاحبه نهایی انتخاب شد در جدول ۱ ویژگی‌های دانش‌آموزان شرکت‌کننده در پژوهش نشان داده شده است.

جدول (۱) ویژگی‌های دانش‌آموزان شرکت‌کننده در پژوهش

کد شرکت‌کننده	پایه	رشته	معدل نوبت اول سال تحصیلی ۹۶-۹۷	کد شرکت‌کننده	پایه	رشته	معدل نوبت اول سال تحصیلی ۹۶-۹۷
۱	دهم	ریاضی	۱۸/۲۸	۱۲	یازدهم	انسانی	۱۴/۹۹
۲	یازدهم	تجربی	۱۸/۵۶	۱۳	دهم	انسانی	۱۵/۶۱
۳	چهارم	ریاضی	۱۶/۵۴	۱۴	چهارم	تجربی	۱۸/۹۵
۴	یازدهم	انسانی	۱۵/۰۱	۱۵	یازدهم	تجربی	۱۸/۶۲
۵	چهارم	ریاضی	۱۳/۷۵	۱۶	یازدهم	انسانی	۱۵/۴۸
۶	یازدهم	تجربی	۱۹/۸۲	۱۷	دهم	انسانی	۱۴/۶۱
۷	چهارم	انسانی	۱۹/۵۹	۱۸	چهارم	تجربی	۱۹/۳۱
۸	چهارم	تجربی	۱۸/۵	۱۹	چهارم	انسانی	۱۳/۲۱
۹	یازدهم	انسانی	۱۳/۳۲	۲۰	دهم	انسانی	۱۴/۶۸
۱۰	چهارم	ریاضی	۱۳/۸۶	۲۱	یازدهم	ریاضی	۱۶/۹۳
۱۱	چهارم	انسانی	۱۸/۷۵	۲۲	دهم	تجربی	۱۹/۹۷

فرایند اجرای پژوهش

در خلال انجام مصاحبه ها به دانش آموزان شرکت کننده فرصت کافی داده شد تا به بیان و تشریح تجارب و نقطه نظرات خود در مورد وضعیت واقعی یادگیری خود و عوامل موثر یا مخل آن پرداخته و ادراکات خاص خود را در این زمینه تبیین کنند. مصاحبه ها طی مدت زمان ۳۰ تا ۴۰ دقیقه در دفاتر مدارس انجام گرفت. اطلاعات مورد نظر پژوهش با عنایت به اصل اشباع نظری جمع آوری و سازماندهی گردید. لازم به ذکر است اشباع نظری زمانی اتفاق می افتد که محقق در می یابد که ادامه مصاحبه ها هیچ داده جدیدی را به داده های قبلی اضافه نمی کند؛ به عبارت دیگر، پژوهشگر بدین نتیجه برسد که در مرحله ای از کار به مفاهیم و پاسخ های مشابه دست یافته و مفاهیم جدیدی ظهور نیابند (گلاسر و اشتراوس، به نقل از محمدپور وبهمنی، ۱۳۸۹). دانایی فرد و همکاران (۱۳۸۳) نیز به این نکته اشاره می کنند که معیار قضاوت در مورد زمان متوقف کردن نمونه گیری هدفمند، اشباع یا کفایت نظری است.

ابزار پژوهش و نحوه تحلیل های آماری

ابزار جمع آوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش، مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته^۱ بود. گال، بورگ و گال (۲۰۰۶) معتقدند داده های بدست آمده از طریق مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته در مقایسه با آنچه که از طریق سایر مصاحبه ها بدست می آید، عمق بیشتری دارد.

طی زمان انجام مصاحبه ها تلاش گردید تا با طرح مصادیق مرتبط با پرسش محوری تحقیق به مثابه نقاط عطف گفتگو^۲، هدایت جریان مصاحبه به مسیر مورد نظر فراهم و تثبیت شده تا از فرو کاستن پاسخ ها به حوزه های نامربوط و طرح داده های سطحی و کم اهمیت جلوگیری شود. واحد تحلیل در این تحقیق، واژه ها، عبارات و جملاتی بودند که به نوعی به عوامل یا موانع یادگیری دانش آموزان اشاره داشتند. پس از انجام مصاحبه ها، متن آنها دقیقاً تحریر شده و سپس محتوای آن مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. در واقع، پس از اجرای مصاحبه ها پژوهشگران مکالمه های ضبط شده را به متون نوشتاری تبدیل و مورد مطالعه دقیق قرار دادند. با استفاده از راهبرد مطالعه جمله به جمله اطلاعات جمع آوری شده، واژه ها و عبارات اصلی مرتبط با موضوع (عوامل و موانع مرتبط با یادگیری دانش آموزان) شناسایی و کد گذاری شدند و مفاهیم مرتبط با آنها استخراج و تدوین گردید. برای انجام این کار از روش هفت مرحله ای کلایزی^۳ استفاده شد. این هفت مرحله شامل؛ (۱) آشناسازی^۴ به معنای آشنایی خود محقق با داده ها؛ (۲) شناسایی جملات مهم^۵ که به طور مستقیم با پدیده ارتباط دارند؛ (۳) صورت بندی معانی^۶ به معنای ارزیابی عبارات با اهمیت برای شناسایی معانی مرتبط با پدیده؛ (۴) دسته بندی مضامین^۷ در دسته هایی که تمام ابعاد پدیده را بازنمایی می کنند؛ (۵)

1. Semi-Structured Deep Interview

2. Turning Points of Dialogue

3. Colaizzi

4- familiarisation

5- Identifying significant statements

6- Formulating meanings

7- Clustering themes

تدوین یک توصیف فراگیر^۱؛ ۶) تولید ساختار مبنایی^۲ برای در بر گرفتن تمام چیزهایی که محقق به پدیده مرتبط می داند؛ و ۷) تایید^۳ ساختار مبنایی که مستلزم تکرار مراحل قبل و حتی مراجعه به شرکت کنندگان برای روشن نمودن ایده‌های به دست آمده است (مارو، رودریگز و کینگ^۴، ۲۰۱۵). جهت تعیین روایی و پایایی داده‌ها از سه معیار مورد نظر صاحب نظران پژوهش‌های کیفی، یعنی قابل قبول بودن^۵، قابلیت اطمینان^۶ و تأیید پذیری^۷ (منصوریان، ۱۳۹۱) استفاده شد. جهت قابل قبول بودن و تأیید درستی یافته‌ها، رونوشت‌های مصاحبه و گزارش پژوهش برای دانش‌آموزان ارسال شد تا موافقت یا مخالفت آنها با مطالب ذکر شده و یافته‌های پژوهش مشخص شود. به علاوه، به منظور تضمین قابلیت اطمینان یافته‌ها تلاش گردید تا فرآیندها و تصمیمات مربوط به پژوهش به طور واضح در متن پژوهش تشریح شود. برای تأیید پذیری نتایج نیز یافته‌ها با پیشینه پژوهش مقایسه شده و با استناد به بحث‌های نظری در تبیین آن‌ها اقدام گردید. همچنین برای اطمینان از پایایی روشهای یادداشت برداری، ضبط کامل جلسات مصاحبه و استناد به نظرات همکاران در مورد مقولات استخراج شده مورد توجه قرار گرفت.

نتایج و یافته‌ها

در فرآیند کدگذاری اطلاعات تحقیق، بعضی از کدها یا همان مفاهیم و مضامین به طور مستقیم از متن گفته‌های دانش‌آموزان گرفته شدند (کدهای بروز یابنده) و برخی دیگر را پژوهشگران با توجه به مبانی نظری و پیشینه اطلاعاتی خود تدوین کردند (کدهای محقق ساخته). در واقع، محققان از طریق تعمق و ژرف اندیشی در محتوای مصاحبه‌ها و ادغام موارد مشابه نهایتاً توانستند شانزده مفهوم اساسی را که توضیح دهنده عوامل و متغیرهای اصلی دخیل در یادگیری دانش‌آموزان دختر مقطع متوسطه دوم می باشد را شناسایی نمایند. این شانزده مفهوم مواردی همچون ویژگی‌ها و شرایط خاص دانش‌آموزان مقطع متوسطه، خصوصیات دبیران، مسایل خانوادگی، درگیری با موبایل و فضای مجازی، نحوه ارزشیابی دبیران، مشکلات کلان مرتبط با نظام آموزشی کشور، تاثیرات دوستان و گروه همسالان، ویژگی‌های فضای کلاس درس، مشکلات کتب درسی، نحوه مدیریت مدارس و غیره بودند. در مرحله بعدی، پژوهشگران با تعمق و تأمل بیشتر بر روی مفاهیم یا عوامل مذکور توانستند کل تجارب دانش‌آموزان را در سه طبقه موضوعی اصلی یعنی عوامل فردی، مدرسه‌ای و برون مدرسه‌ای قرار دهند که به نوعی از پوشش و شمول مفهومی لازم برخوردار هستند. عوامل فردی، ویژگی‌ها و شرایط خاص دانش‌آموزان دختر در دوره متوسطه دوم را مورد توجه قرار می دهد. عوامل مدرسه‌ای شامل خصوصیات دبیران، نحوه ارزشیابی، وضعیت فضاهای کلاسی، مشکلات کتب درسی و نحوه مدیریت مدارس

1- Developing an exhaustive description

2- Producing the fundamental structure

3- Seeking verification

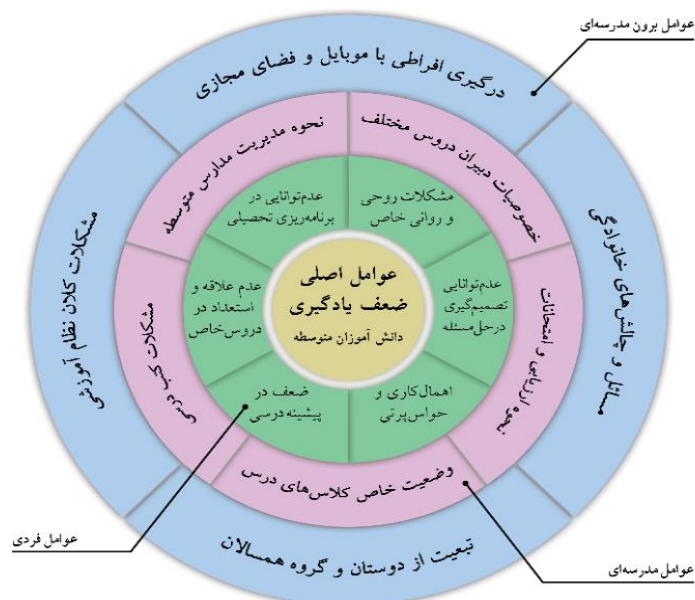
4- Morrow, Rodriguez & King

5- Credibility

6- Dependability

7- Conformability

متوسطه است و عوامل برون مدرسه ای موارد مرتبط با مسایل خانوادگی، درگیری با موبایل و فضای مجازی، مشکلات کلان نظام آموزشی کشور و تاثیرات دوستان و گروه همسالان را در بر می گیرد.



شکل ۱: عوامل اصلی ضعف یادگیری دانش آموزان دختر متوسطه دوم

در واقع، به نظر می رسد که سه دسته اصلی عوامل فردی، مدرسه ای و برون مدرسه ای می توانند توصیفی جامع از عوامل و مشکلات اصلی مرتبط با یادگیری دانش آموزان دختر مقطع متوسطه ارائه دهند. الگوی قابل مشاهده در شکل ۱ را می توان ساختار مبنایی برآمده از تحلیل داده های تحقیق حاضر محسوب کرد که در ادامه هر کدام از این دسته ها تحلیل و تبیین می شوند.

الف) عوامل فردی

این عوامل، شرایط و ویژگی های خاص دانش آموزان دختر متوسطه دوم را به خاطر دوره سنی حساس و خصوصیات روحی و روانی خاصی که در آن قرار دارند، مورد توجه قرار می دهد. این عوامل شامل مواردی همچون مشکلات روحی و روانی خاص دوره سنی بلوغ، عدم توانایی در تصمیم گیری و حل مسئله و برنامه ریزی هدفمند برای آینده، فقدان مهارت های برنامه ریزی تحصیلی و مطالعه، ضعف پایه ای در دروس سالهای قبل، نداشتن استعداد و علاقه در برخی دروس، عدم تمرکز در کلاس و موقع درس خواندن و اهمال کاری مواجه هستند که عملاً مانع یادگیری آنها شده و در عین حال دبیرستان هم تلاش قابل توجهی را برای حل آنها انجام نمی دهد (شکل ۲).



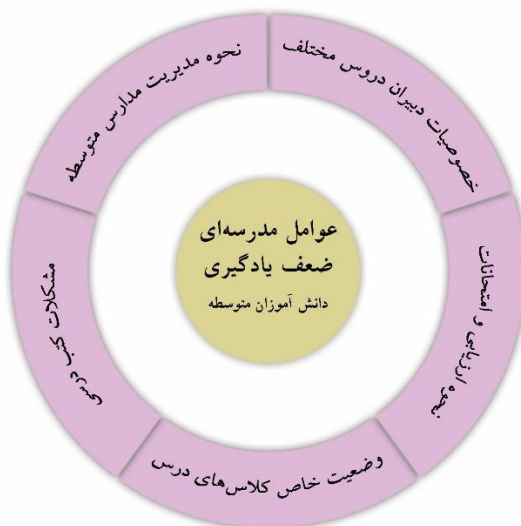
شکل ۲: عوامل فردی ضعف یادگیری دانش آموزان دختر متوسطه دوم

بر مبنای تجارب و روایت های بیان شده از جانب دانش آموزان دختر، آنان نوعاً با مسایل مختلفی همچون مشکلات روحی و روانی خاص دوره سنی خود، عدم توانایی در تصمیم گیری و حل مسئله و برنامه ریزی هدفمند برای آینده، فقدان مهارت های برنامه ریزی تحصیلی و مطالعه، ضعف پایه ای در دروس سال های قبل، نداشتن استعداد و علاقه در برخی دروس، عدم تمرکز در کلاس و موقع درس خواندن و اهمال کاری مواجه هستند که عملاً مانع یادگیری آنها" شده و در عین حال دبیرستان هم تلاش قابل توجهی را برای حل آنها انجام نمی دهد.

«دانش آموز شماره ۲» در این مورد می گوید: "یه دانش آموز وقتی وارد دبیرستان می شه دغدغه های ذهنی بیشتر و متنوع تری در مورد زندگی، آینده و اطرافیانش داره و پرداختن به این دغدغه های ذهنی و روحی هم تمرکزش رو برای درس خوندن کم می کنه و هم اینکه دنبال کردن بعضی از این دغدغه های ذهنی، مانع برنامه ریزی خوب درسی و مطالعاتی می شه". «دانش آموز شماره ۱۵»، یازدهم تجربی به بی برنامه گی وبدون هدف بودن اشاره کرده و می گوید: "بچه ها از آینده آگاهی ندارن. پس به خوشی های یکی دو روزه دلخوش می کنن. باید آینده را جلوی چشم مون بذارن تا ببینیم با درس خوندن آینده روشن تری خواهیم داشت. دانش آموز شماره ۱۱» فقدان مهارت های مطالعه و برنامه ریزی در دانش آموزان را خاطرنشان می سازد: " بچه ها گاهی برنامه ریزی ندارن، مدیریت زمان بلد نیستن. به خاطر سنگینی دروس نمی تونن روی یک درس تمرکز کنن. روش مطالعه بلد نیستن، مدرسه هم هیچکاری برای رفع این مشکل دانش آموزان نمی کند..... من خودم از وقتی فهمیدم که هر درسی را باید چه جور بخونم، پیشرفت داشتم. قبلاً فقط از روی درس ها روخوانی می کردم که کارساز نبود". «دانش آموز شماره ۵»، در مورد عدم تمرکز در کلاس می گوید: "از نظر من توی کلاس بعضی بچه ها نگاهشان به تابلوست ولی فکرشون جای دیگه است و معلم هم فکر می کنه دانش آموز حواسش هست و داره گوش میده."

ب) عوامل مدرسه ای

همچنانکه از نام آن برمی آید عوامل مدرسه ای، نقش متغیرها و مسائل داخلی مدارس متوسطه دخترانه را در امر یادگیری مورد توجه و تمرکز قرار می دهد. این عوامل شامل ضعف دبیران، نحوه ارزشیابی، وضعیت فضاهای کلاسی، کتب درسی و نحوه مدیریت مدارس متوسطه است (شکل ۳).



شکل ۳: عوامل مدرسه‌ای ضعف یادگیری دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم

۱. ضعف دبیران

از دیدگاه دانش‌آموزان، یکی دیگر از عوامل مؤثر در عدم یادگیری، ضعف برخی دبیران است که از آمادگی ذهنی و دانش لازم و تعهد، تخصص و تسلط در رشته و درس مورد تدریس خود برخوردار نیستند. همچنین، مشکل دیگر آن است که برخی دبیران از روش‌های تدریس سنتی و غیرفعال استفاده می‌کنند که برای دانش‌آموزان فاقد گیرایی لازم بوده و موجب خستگی و دلزدگی آنها را می‌شود. به علاوه، برخی دبیران از مهارت مدیریت کلاس درس، قابلیت‌های ارتباطی، انگیزشی و جاذبه‌های شخصیتی و رفتاری لازم بی‌بهره هستند. «دانش‌آموز شماره ۹» خاطرنشان می‌کند: "بعضی معلمان رو آدم جرات نمی‌کنه ازشون سوال بپرسه. جلو بچه‌ها توی ذوق دانش‌آموز می‌زنن. وقتی دانش‌آموز جلوی بقیه تحقیر بشه باعث می‌شه ارتباط دانش‌آموز ضعیف با سایرین کم بشه. چون بچه‌ها بهش می‌گن برو بابا معلم هم توی ذوق زد". «دانش‌آموز شماره ۱۳» از بی‌برنامگی معلمان می‌گوید: "بعضی از معلمان برای تدریس و پرسش، برنامه‌ریزی و طرح درس ندارند و برای دوره کردن کتاب در ماه‌های پایانی زمان کم میارن. به هر حال هرچی وقت برای دوره زیادتر باشه نمره بچه‌ها در امتحان بهتر می‌شه" «دانش‌آموز شماره ۳» هم از روش تدریس برخی دبیران گله کرده و معتقد است: "در بعضی کلاس‌ها تدریس به شیوه سخنرانی و یک طرفه. من وقتی در کلاس ساکت باشم و حرف نزنم خوابم می‌گیره. معلمی که پرسش و پاسخ می‌کنه، دانش‌آموزان را در جریان یاددهی و یادگیری دخالت می‌ده." «دانش‌آموز شماره ۱۱» عدم توجه دبیران به دانش‌آموزان ضعیف را خاطرنشان کرده و می‌گوید: "دبیران اکثراً به بچه‌های ضعیف توجه نمی‌کنن. وقتی تمرکز روی دانش‌آموز قوی هست، دانش‌آموز ضعیف احساس می‌کنه

که کنار گذاشته شده و اعتماد به نفسش پایین میاد. گاهی لازمه برای یک نفر چند بار درس رو توضیح داد چون دیرتر متوجه میشه."

۲. نحوه ارزشیابی و امتحان

فرآیند ارزشیابی مورد استفاده در مدارس مقطع متوسطه دوم، که خود را در قالب پرسش های کلاسی، کوئیزها، امتحانات میان ترم و پایان ترم نشان می دهد، نیز از جمله عوامل مؤثر در ضعف یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان است. مهم ترین مشکلات این حوزه، ارزشیابی های متعدد و زیاد و استرس و فشار روانی ناشی از آن، امتحانات ناهمخوان با کنکور سراسری، عدم مدیریت در ارزشیابی و پرسش های شفاهی کلاسی، شیوه تصحیح برگه های امتحانی بر مبنای حافظه محوری است. «دانش آموز شماره ۵» در مورد تاثیر شیوه ارزشیابی معلمان در ضعف پیشرفت تحصیلی می گوید: " دبیر فیزیک فقط می خواهد امتحان بگیرد و یادگیری ما برایش مهم نیست."

«دانش آموز شماره ۱۱»، از سخت گیری دبیران در تصحیح برگه های امتحانی که باعث ناامیدی دانش آموزان می شود گله کرده و می گوید: " بعضی از دبیران در امتحان خیلی سخت گیری می کنن و برای کم یا زیاد نوشتن کلمات نمره کم می کنن، بجای اینکه به اصل مطلب بپردازن. وقتی دانش آموز کلیت مطلب را رساند باید نمره کامل به او داده شود ولی آنها به جزئیات توجه و روی حفظیات تاکید دارن. وقتی نمره دانش آموز کم شد انگیزه اش هم کم میشه " «دانش آموز شماره ۱۴» در این زمینه معتقد است: " سطح امتحان بعضی از دبیران بالاتر از کار کلاس است مسئله ای که کار نکرده اند را در امتحان می دهند و دانش آموز عصبی می شود". «دانش آموز شماره ۱۰» هم دلیل ناموفق بودن دانش آموزان در ارزشیابی را اینگونه بیان می کند: " امتحانات تشریحی زیاد و پشت سر هم باعث می شود که بچه ها از درس خواندن بیزار شوند".

۳. وضعیت فضاهای کلاسی

فضاهای کلاسی موجود در مدارس متوسطه دوم نیز از جمله عوامل دخیل در ضعف عملکرد درسی دانش آموزان می باشد. از جمله مهم ترین مشکلات و محدودیت های مرتبط با این عامل، تعداد زیاد و غیر استاندارد دانش آموزان در کلاس، چیدمان نامناسب نیمکت ها (که بسیار ثابت و غیر منعطف است) و شرایط نامطلوب کلاس ها از نظر نور و تهویه است. «دانش آموز شماره ۱۶» در مورد شرایط و فضای کلاسی تاکید می کند: " سردی و گرمی کلاس، یا نور کم و زیاد و اینکه در کلاس های شلوغ همیشه همه هست، همه باعث حواس پرتی دانش آموزان می شن. نیمکت های کلاس بخاطر بد نشستن بچه ها باعث کمردرد میشه و اونا مدام نیمکت ها را هل می دن تا فضای بیشتری داشته باشن". «دانش آموز شماره ۱» هم می گوید: " کلاس ها واقعا شلوغند و بی روح، کلاس درس هیچ جذابیتی از نظر ظاهری ندارد، چطور می شه در چنین کلاسی توضیحات معلم را متوجه شد."

۴. کتب درسی

از دیدگاه دانش آموزان، کتب درسی دوره متوسطه دوم به خاطر اشکالات متعدد زمینه کاهش یادگیری و ضعف عملکرد درسی آنها را فراهم می سازد. برخی از تنگناهای مرتبط با این عامل شامل سنگین و حجیم بودن کتب

و در نتیجه عدم همخوانی آنها با زمان موجود در برنامه هفتگی، وجود مفاهیم و مطالب انتزاعی نظری و غیر کاربردی در کتب درسی، بی توجهی به ملاحظات بصری و زیبایی شناسی در تألیف کتب درسی و عدم جذابیت آنهاست. «دانش آموز شماره ۹» در مورد کتب درسی می گوید: «کتاب ها جذاب نیست، رنگی نیست و این سیاه و سفید بودن چشم آدم را خسته می کنه». «دانش آموز شماره ۲۲» در این باره معتقد است: «کتاب زیست ما پر از اصطلاحاتیه که بدون داشتن یه دبیر قوی نمی تونیم اونا رو خوب یاد بگیریم. حجم کتاب هم زیاده. تا حالا دبیرمون چندین جلسه کلاس جبرانی برگزار کرده.»

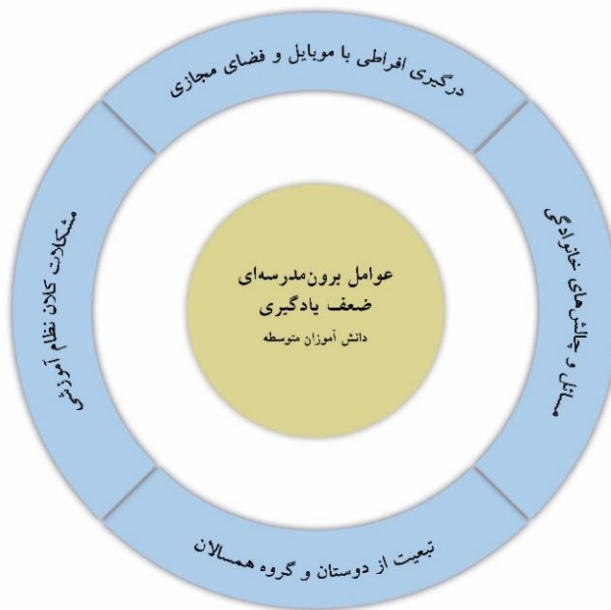
۵. نحوه مدیریت مدرسه

دانش آموزان در مصاحبه های خود تاکید کرده اند که کادر مدیریتی مدرسه می توانند در عملکرد درسی ضعیف دانش آموزان مؤثر باشد. عدم برگزاری کلاس های تقویتی، بی توجهی به ارائه برنامه هفتگی مناسب، فراهم نکردن فضای شاد، مفرح و مشوق یادگیری در دبیرستان، فقدان ارتباط صمیمانه با دانش آموزان، عدم نظرسنجی از دانش آموزان در رابطه با مشکلات مدرسه و بی توجهی به مسائل پرورشی دانش آموزان از جمله قصورهای کادر مدیریتی دبیرستان است.

«دانش آموز شماره ۲۰» معتقد است: «مدیر دبیرستان باید پیگیر دانش آموزای ضعیف بشود. باید جو اعتماد حاکم باشه و دانش آموز به مدیرش مطمئن باشه که نمیره صحبتهاش را به خانواده یا به دفتر مدرسه بگه.» «دانش آموز شماره ۳» در مورد این مشکل می گوید: «وقتی که کادر مدیریت از لحاظ ارتباطی قوی باشن، دانش آموزی که عملکرد ضعیف داره خیلی راحت می تونه باهاشون باب گفتگو را باز کنه. مشکلاتش را مطرح و از اونا راهکار دریافت بگیره و جلوی ضعف عملکردش رو بگیره.» «دانش آموز شماره ۱» هم می گوید: «کاش می شد از هردانش آموز بررسی مشکل چیه و مشکلات در جایی ثبت و در اختیار دبیرها قرار بگیرن. گاهی معلمان، تازه نیمی از سال که می گذره فامیلی دانش آموز را یاد می گیرن. درحالیکه اگر معلم از دانش آموز شناخت داشته باشه متوجه می شه که دانش آموز سر کلاس حواسش به درس نیست. یا مطلب رو درست نفهمیده و یا درگیر یه مشکلیه.»

ج) عوامل برون مدرسه ای

عوامل برون مدرسه ای، واقعیت ها و مشکلات خارج از مراکز آموزشی و تاثیر آنها را در یادگیری نامطلوب و پیشرفت تحصیلی ضعیف دانش آموزان مورد تاکید قرار می دهند. در ذیل این عوامل، مشکلات خانوادگی، درگیری با موبایل و فضای مجازی، تاثیر دوستان و گروه همسالان و معضلات کلان نظام آموزشی قرار می گیرند.



شکل ۴: عوامل برون مدرسه‌ای ضعف یادگیری دانش‌آموزان دختر متوسطه دوم

۱. مسائل خانوادگی

از نظر دانش‌آموزان مشارکت‌کننده نقش و کارکرد نهاد خانواده در مواردی همچون مشکلات فرهنگی (مهم) تلقی نکردن تحصیل دختران و تمایل به ازدواج زودهنگام آنها، تنگناهای اقتصادی، فضای ناآرام خانواده (مشکلات اعتیاد، طلاق، جر و بحث‌های دامنه‌دار، شلوغی و مهمانی‌های افراطی و ...)، اجبار خانواده به انتخاب رشته ناسازگار با علاقه فرزندان قابل بحث و بررسی است.

«دانش‌آموز شماره ۱۹» در مورد مشکلات مربوط به خانواده می‌گوید: "گاهی محیط خانواده به خاطر مشکلات خانوادگی یا اقتصادی به هم ریخته و این روی دانش‌آموز تأثیر می‌ذارد. اینکه هر شب یا مهمانی میرن یا میهمان میاد و خونه شلوغه. گاهی هم اطرافیان می‌گن درس خوندن چه فایده ای برات داره و گاهی به پدر و مادر می‌گن نذار بره دنبال درس. هزار تا مشکل پیش میاد؛ بذار ازدواج کنه و بره سر زندگیش. پدر و مادر هم وقتی حرفای اطرافیان را می‌شنون و مشکلات جامعه را می‌بینن دلسرد می‌شن و می‌گن که نمی‌خواد درس بخونی." «دانش‌آموز شماره ۱۳» نیز اوضاع متشنج برخی خانواده‌ها را اینگونه مورد اشاره قرار می‌دهد: "وقتی دانش‌آموزی بچه طلاقه یا باباش معتاده و دست‌بزن داره و جو خونه نامناسبه، توی این شرایط نمی‌تونه درس بخونه" «دانش‌آموز شماره ۱۵» هم می‌گوید: "چشم و هم‌چشمی الکی خانواده در اجبار دانش‌آموز به رشته‌ای که بهش علاقه نداره از عوامل ضعف پیشرفت تحصیلیه. مثلاً من خودم از بچگی بهم می‌گفتن دکتر سارا و برای همین من رشته تجربی رو انتخاب کردم!" همچنین «دانش‌آموز شماره ۱۴» القائنات غلط و فشار خانواده را مورد توجه قرار داده و می‌گوید: "مادردوستم خودش تحصیلات نداره ولی چون از بچگی پزشکی دوست داشته به دخترش گفته برو رشته تجربی، می‌خوام دکتر بشی. درحالیکه دوستم به هنر علاقه داره. می‌خواست بره هنرستان. اما والدینش گفتن هنرستان برای تنبل هاست!"

۲. موبایل و فضای مجازی

موبایل و فضای مجازی و استفاده افراطی و بی حد و مرز دانش‌آموزان از آن نیز از عوامل مهم تأثیرگذار بر ضعف پیشرفت تحصیلی از دیدگاه مشارکت کنندگان است. اشتغال و درگیری بیش از اندازه با تلفن همراه و فضای مجازی علاوه بر تاثیرات منفی درسی و آموزشی، آثار مخرب روحی و عاطفی، ورود به دوستی‌ها و روابط نامتعارف، آسیب دیدن عواطف، اعتیاد به فضای مجازی و دور شدن از واقعیت‌ها، اختلالات خواب، خواب‌آلودگی و عدم تمرکز دانش‌آموز در کلاس را به همراه دارد. «دانش‌آموز شماره ۳» در این باره می‌گوید: "بعضی از دوستانم تا ساعت ۵ صبح بیدارن و سر کلاس چرت می‌زنن. فقط حضور فیزیکی دارن. بعضی هاشون هم از فضای مجازی کسب درآمد می‌کنن و میگن چرا باید درس بخونیم". «دانش‌آموز شماره ۱۴» در این زمینه خاطرنشان می‌کند: "روابط دختر و پسر در فضای مجازی بیشتر به دخترا ضربه میزنه و اونا رو درگیر میکنه. پیام دادن و قرار گذاشتن از طریق شبکه‌های مجازی بیشتر وقت دانش‌آموزان را می‌گیره و گاهی دانش‌آموزای خیلی قوی را تبدیل به دانش‌آموز ضعیف میکنه".

۳. تأثیر دوستان و گروه همسالان

از دیگر عوامل مؤثر در ضعف پیشرفت تحصیلی از دیدگاه دانش‌آموزان، ارتباطات افراطی و بیش از اندازه با دوستان و تأثیرپذیری از گروه همسالان در مسائل درسی و غیر درسی است که باعث درگیری ذهنی و روانی شدید، وارد شدن در روابط خارج از عرف و خطرناک، بعضاً ازدواج زودهنگام و آسیب جدی به عواطف و روحیات دانش‌آموزان می‌شود. تلقین حس ناامیدی و بی‌تفاوتی نسبت به امور درسی از سوی گروه همسالان نیز یکی دیگر از موارد قابل اشاره در این زمینه می‌باشد. «دانش‌آموز شماره ۱۵» در مورد نقش همکلاسی‌ها می‌گوید: "گاهی خود دانش‌آموز می‌خواهد درس بخونه، ولی دوستایی انتخاب می‌کنه که هیچ هدف و انگیزه‌ای ندارن. مثلاً من خودم عاشق درس خواندن بودم. ولی تحت تأثیر دوستانم انگیزه و اراده ام ضعیف شد. در مورد ارتباطم با یه آقا از دوستانم مشورت گرفتم. دوستانم عین خودم احساسی عمل می‌کردن. یکی از عوامل افت درسی من همین بود. باید از یک بزرگتر که تجربه کافی داشت کمک می‌گرفتم". «دانش‌آموز شماره ۵» هم از تجربه خود در مورد تأثیرپذیری از دوستان اینگونه حکایت می‌کند: "به دوستانم پیام میدم می‌پرسم درس خوندی؟ میگه درس چی؟! من نخوندم تو هم نخون. نگاه من توی دهن دوستانم. انگار اونا هستن که برای من و زندگیم تصمیم می‌گیرن. یا گاهی دوستانم میگه برای چی درس بخونیم به هر حال ما باید ازدواج کنیم و خونه داری و بچه داری کنیم بی خیال درس". «دانش‌آموز شماره ۶» که دوستی با بعضی دوستانش را عامل برهم زدن تمرکز می‌داند، می‌گوید: "گاهی دانش‌آموز کنار یکی نشسته که با بغل دستی اش حرف می‌زنن. هم حواس خودشون پرت می‌شه هم حواس معلم رو پرت می‌کنن و هم حواس بقیه همکلاسی‌ها را".

۴. مشکلات کلان نظام آموزشی کشور

نظام آموزشی کشور و سیاست‌گذاری‌های نامناسب آن یکی دیگر از عوامل مؤثر بر ضعف پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان است که از دیدگاه آنها در اشکالی همچون ورود آسان و بی‌دردسر به آموزش عالی، غفلت از هدایت تحصیلی صحیح دانش‌آموزان، فرهنگ غلط اولویت بندی رشته‌ها، بیکاری تحصیل کرده‌ها، کنکور

زدگی حاکم بر دبیرستان ها، عدم تامین شغلی و اقتصادی قشر تحصیل کرده، ناامیدی عموم دانش‌آموزان تجلی می‌یابد. «دانش‌آموز شماره ۱۰» که اعتقادی به تلاش زیاد در زمینه درسی ندارد، می‌گوید: "وقتی می‌توانیم دانشگاه آزاد برویم و مدرک دانشگاه آزاد هم معتبر است برای چی تلاش کنیم." «دانش‌آموز شماره ۱» هم یادآوری می‌کند "با نمره ۱۰ میشه درس رو پاس کرد. فکر نمی‌کنم. برای رسیدن به دانشگاه هم اینقدرها لازم باشه تلاش کنم." "فوقش تک ماده می‌کنم یا شهریور امتحان می‌دهم خیلی برام مهم نیست." «دانش‌آموز شماره ۳» از نبود بازار کار متناسب سخن گفته و همین موضوع را سبب بی‌انگیزگی و عملکرد ضعیف ایشان می‌داند و می‌گوید: "وقتی من دختردایی ام را می‌بینم که فوق لیسانس داره و یا دختر عمویم را که دکترا داره و توی خونه نشسته و هیچ موقعیت کاری براش وجود نداره، حس ناامیدی و بی‌انگیزگی بهم دست می‌ده." «دانش‌آموز شماره ۹» کنکورزدگی و نمره گرایی نظام آموزشی به عنوان یکی از عوامل ضعف پیشرفت تحصیلی را اینگونه نقل می‌کند: "وقتی هدف، کنکوره و ملاک نمره هست، دانش‌آموز درس رو حفظ می‌کنه تا نمره بالاتر بگیره. برای خود درس و کاربرد آن و فهم آن درس نمی‌خونه، فقط حفظ می‌کنه."

بحث و نتیجه‌گیری

نظام‌های آموزشی پویا و کارآمد همواره در صدد هستند تا با جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات مختلف و مستند از منابع اطلاعاتی چندگانه نسبت به میزان پیشرفت مدارس و مراکز آموزشی تحت پوشش خود در زمینه اجرای کارکردها و تحقق اهداف مورد نظر دیدگاهی روشن و واقع‌بینانه کسب کرده و بر اساس آن، اصلاحات و تغییرات لازم را در عرصه‌های آموزشی و پرورشی اعمال نمایند. نقش یادگیری در همه صحنه‌های زندگی نمایان است و بر اساس نظام تربیتی و آموزشی، این نقش در مؤسسات رسمی همچون مدارس و دانشگاهها به گونه‌ای بارزتر و ملموس‌تر می‌باشد. چرا که عمده یادگیری در کلاس درس و با دید وسیع‌تری در فضای نظام آموزشی شکل می‌گیرد (کشاورزی و مرزوقی، ۱۳۹۵).

از سوی دیگر، باید دانست که یکی از مهم‌ترین منابع اطلاع‌رسان در حوزه آموزش و پرورش، دانش‌آموزان و نقطه نظرات و دیدگاه‌های آنهاست که خود مستقیماً مشتری^۱ نظام آموزشی و دریافت‌کننده^۲ برنامه‌های درسی مختلف آن در پایه‌های گوناگون هستند. با توجه به نقش مهم دانش‌آموزان در فرآیندهای تربیتی است که در قلمرو برنامه درسی^۳ از مفهومی به نام برنامه درسی تجربه شده^۴ نام برده می‌شود که طی آن اهمیت ادراکات و یادگیری‌های واقعی یادگیرندگان در کلاس‌های درس مورد تأکید قرار می‌گیرد. می‌توان گفت برنامه درسی تجربه شده، بیانگر برداشت‌ها و ادراکات دانش‌آموزان ناشی از قرارگرفتن در معرض برنامه درسی رسمی^۵ و پیشرفت‌های حاصل از آن بوده و اهمیت آن در این نکته است که نشان می‌دهد در تحلیل‌نهایی، دانش‌آموزان تصمیم‌گیرندگان اصلی عرصه یاددهی-یادگیری یا برنامه درسی بوده و بدان تعیین می‌بخشند (مهرمحمدی، ۱۳۸۷). در واقع، ارزیابی برنامه درسی تجربه شده از طریق واری و بررسی ادراکات، دریافت‌ها،

1. Consumer

2. Recievers

3. Curriculum

4. Experienced Curriculum

5. Formal Curriculum

نگرش ها و ذهنیت های دانش آموزان و مستندسازی آنها در موقعیت های مختلف نشان می دهد که نظام آموزش و پرورش تا چه اندازه در زمینه یادگیری فراگیران و تحقق هدفهای مورد نظر خود موفق بوده است. با اتخاذ چنین رویکردی، تحقیق حاضر در حکم تلاشی علمی برای بررسی مهم ترین عوامل مرتبط با ضعف یادگیری و نزول پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دختر مقطع متوسطه دوم با استناد به روایت ها، ادراکات و تجارب زیسته آنهاست تا به مدد آن بتوان اساسی ترین عوامل موثر و یا مخلل یادگیری آنان را تشخیص و به تبع آن اقدامات لازم را جهت رفع موانع یادگیری دانش آموزان دختر انجام داد.

یافته های حاصل از این تحقیق مجموعاً نشان داد که مهم ترین عوامل مرتبط با ضعف یادگیری دانش آموزان دختر مقطع دوم متوسطه در سه مضمون یا درون مایه اصلی یعنی عوامل فردی، مدرسه ای و برون مدرسه ای قابل انتزاع و استخراج است که البته هریک از این عوامل سه گانه دارای زیرمجموعه های خاص خود هستند. در حالی که عوامل فردی نقش و سهم متغیرهای شخصی و مرتبط با ویژگی های دانش آموزان را در بروز ضعف یادگیری نشان می دهند، عوامل مدرسه ای یا درون آموزشی تأثیر متغیرها و مشکلات داخلی مدارس متوسطه دخترانه را در امر یادگیری مورد تأکید قرار می دهند. نهایتاً عوامل برون آموزشی نیز بر نقش واقعیات و مشکلات خارج از مدرسه در ضعف یادگیری دانش آموزان و عقب افتادگی تحصیلی آنها توجه دارند.

واقعیت آن است که عوامل و ویژگی های فردی دانش آموزان مثل مشکلات روحی و روانی، عدم توانایی در تصمیم گیری و حل مسئله و برنامه ریزی هدفمند برای آینده، فقدان مهارتهای برنامه ریزی تحصیلی و مطالعه، ضعف پایه ای در دروس سالهای قبل، عدم تمرکز در کلاس و هنگام درس خواندن، اهمال کاری و بی انگیزگی از جمله متغیرهای اثرگذار بر روی یادگیری آنهاست که در این تحقیق مورد تأیید قرار گرفت. نتایج برخی تحقیقات و مطالعات مؤید این یافته است. یافته های پژوهشی شریفی درآمدی و همکاران (۱۳۹۵) نشان داد که رویکردهای مطالعه عمیق و راهبردی می تواند به طرز معناداری پیشرفت تحصیلی دانش آموزان را پیش بینی نماید و رویکرد راهبردی توانست نقش میانجی گری کامل را در رابطه بین سبک دلبستگی و پیشرفت تحصیلی ایفا کند؛ اما رویکرد یادگیری سطحی نتوانست پیشرفت تحصیلی را پیش بینی و نقش معناداری در مدل پژوهش داشته باشد. بر این اساس، پژوهشگران مذکور پیشنهاد کرده اند که معلمان و طراحان نظام آموزشی باید سیستم آموزشی را طوری ترتیب دهند که به جای ادراک سطحی دانش آموزان بر درک عمقی مطالب درسی تأکید داشته باشند؛ به عبارت دیگر، آموزش و استفاده از رویکردهای عمقی و راهبردی یادگیری توسط معلمان و دانش آموزان می تواند نقش مؤثری در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان داشته باشد. تحقیق مجیدی و همکاران (۱۳۹۳) نشان داد که متغیرهای فردی مانند هوش عمومی، هوش هیجایی، اضطراب امتحان و سازگاری می توانند ۰/۵۹ درصد واریانس پیشرفت تحصیلی را تبیین کنند. همچنین برجلی (۱۳۹۶) در تحقیق خود گزارش کرده که انگیزه تحصیلی بر سرمایه روانشناختی، موفقیت و پیشرفت تحصیلی اثر مستقیم دارد. لی^۱ (۲۰۱۷) نیز در تحقیق خود نشان داد که میان فشار و استرس دانش آموزان و شکست

1. Lee

تحصیلی آنها رابطه ای مثبت وجود دارد. تحقیق و مطالعه طولی شک و چای^۱ (۲۰۲۰) تأثیر ویژگی های مثبت رشدی جوانان و رضایت از زندگی را بر روی موفقیت تحصیلی و کاهش استرس درسی آنها را مستند سازی کرده کرده است. در مطالعه انتوبستل^۲ (۲۰۰۰) هم خصوصیات فردی فراگیران از جمله دانش و تجارب قبلی، ویژگی های ذهنی، ترجیحات شخصی، نوع نگرش نسبت به درس و غیره به عنوان یکی از عوامل اصلی مؤثر بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان مطرح شده است.

اما علاوه بر عوامل فردی، یکی دیگر از متغیرهای مؤثر بر ضعف یادگیری فراگیران که در این تحقیق حاصل شد نقش و تأثیر عوامل مدرسه ای یا درون آموزشی بود که مواردی مانند ویژگی های دبیران، نحوه ارزشیابی، وضعیت فضاهای کلاسی، مشکلات کتب درسی ونحوه مدیریت مدارس متوسطه را تحت پوشش قرار می دهد. مجموعه ای از شواهد نظری و پژوهشی همخوان اهمیت و جایگاه تعیین کننده این عوامل را در حصول یادگیری اثربخش مستند می سازند که همخوان با این یافته پژوهشی است. سیف (۱۳۹۲) تصریح می کند که معلمان باید از صلاحیت های لازم از جمله دانش محتوای درس، دانش آموزشگری، دانش مربوط به یادگیرندگان و دانش مربوط به یادگیری برخوردار باشند. هارلینگر^۳ و همکاران (۲۰۱۴) هم معتقدند که معلم از راه آموزش در تجارب یادگیری دانش آموزان دخل و تصرف می کند تا بر یادگیری آنان تاثیر بگذارد. عبدلی و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهش خود گزارش کردند که از دیدگاه دانش آموزان فقدان همدلی با دانش آموز، وجود تعارض میان گفتار و عمل معلم، ضعف معلم در ایجاد محیط عاطفی مناسب و برخورد نامناسب معلم با مشکلات انضباطی و درسی دانش آموز بیشترین تاثیر را در عدم یادگیری آنها می گذارد. سكات^۴ و همکاران (۲۰۱۲) نشان دادند که وقتی معلم جلوی کلاس ایستاده و با همه صحبت می کند و دانش آموزان منفعلانه روی صندلی های خود نشسته اند، به ندرت پیش می آید که کسی چیزی یاد بگیرد. کوهن و لوتان^۵ (۲۰۱۴) هم تاکید کرده اند که یادگیری مشارکتی و بهره گیری از راهبردهای مدیریت خود راهبر و فاصله گرفتن از تدریس سخنرانی می تواند در یادگیری کیفی مؤثر واقع گردد. از سوی دیگر، پژوهش روحانی و همکاران (۱۳۸۶) در زمینه ناکارآمدی شیوه های معمول ارزشیابی در مدارس نشان داد که تاکید زیاد این شیوه ها بر نمره به عنوان ملاک ارتقای یادگیری، معلم محوری، بی توجهی به تفاوت های فردی و دامن زدن به رقابت های مخرب موجب عدم موفقیت دانش آموزان در یادگیری واقعی می شود. کرمعلیان و همکاران (۱۳۹۲) در تحقیق خود با استناد به دیدگاه های صاحب نظران تصریح می کنند که معلمان با تغییر نوع نگاه و رویکرد خود به ارزشیابی تحصیلی می توانند از این فرایند در مسیر بهبود یادگیری واقعی دانش آموزان استفاده کنند. در عین حال، پژوهش نصر و همکاران (۱۳۸۳) هم نشان داد که فضاهای آموزشی مدارس کنونی ما با ویژگیهای روانی نوجوانان سازگار نیست. بنابراین، لازم است در این رابطه اصلاحات لازم به عمل آید. همچنین وکیلی و ولی پور (۱۳۹۴) نیز در تحقیق خود بر رابطه محیط فیزیکی با میزان یادگیری و شادکامی صحنه گذاردند. پژوهش

1. Shek& Chai

2. Entwistel

3. Harlinger

4. Sakat

5. Cohen & Lotan

لطف عطا (۱۳۸۷) در زمینه تأثیرات مهم محیط یادگیری خاطرنشان می کند که لازمه اصلاح کالبد آموزش و پرورش، ایجاد فضاهای مرتبط با فعالیت دانش آموزان است و فضاهای دارای شرایط مناسب و مطلوب برای رشد فیزیکی ذهنی، عاطفی و اجتماعی دانش آموزان به طراحی جزییات با توجه به الگوهای رفتاری آنها توجه دارند. از دیدگاه پژوهشگر مذکور، محققان روانشناسی محیط با مطالعه الگوهای رفتاری کودکان در محیط های آموزشی مواردی همچون اندازه مدرسه، نورپردازی و... را دارای نقش عمده ای در افزایش یادگیری تلقی می کنند. یافته های تحقیق طبایان و همکاران (۱۳۹۰) نشان داد که بین میانگین نمرات نحوه استفاده از رنگ در کلاس های درس مدرسه از دیدگاه دانش آموزان دو گروه مدارس مطلوب و نامطلوب تفاوت معناداری وجود داشته است. بدین صورت که دانش آموزان مدارس مطلوب به لحاظ استفاده از رنگ آمیزی متناسب با ویژگی های روان شناختی دانش آموزان نگرش و دیدگاه مثبتی به فضای مدرسه و کلاس ها داشته اند. توجه به کمبودها و نواقص کتب درسی و نقش آن در پیشرفت تحصیلی هم از دیگر یافته های تحقیق بود. از سوی دیگر، در پژوهش احمدپور و همکاران (۱۳۹۲) ضمن تأکید بر نقش کتاب های درسی در رشد خلاقیت دانش آموزان نشان داده شد که اگر محتوا فقط منتقل کننده حقایق و واقعیات علمی باشد و از تجارب دانش-آموزان و جنبه های کاربردی فاصله داشته باشد، جز حفظ طوطی وار مفاهیم علمی نتیجه ای نخواهد داشت. ملکی (۱۳۷۴) هم اذعان می کند که کتابهای درسی در ایران بیشتر محتوا محور بوده و دانش آموز به هنگام خواندن کتاب کمتر به فعالیتهای ذهنی، تحلیل مسائل و مفهوم سازی دعوت می شود. به علاوه، دیدگاه دانش آموزان در مورد نحوه عملکرد کادر مدیریتی مدارس متوسطه دخترانه هم بیانگر مشکلات این حوزه و انتظارات آنها بوده است. همخوان با این یافته ساپوویتز^۱ و همکاران (۲۰۱۰) نیز تأکید می کنند که عملکرد مدیران و رهبران آموزشی سهم قابل توجهی در موفقیت تحصیلی دانش آموزان دارد. همچنین، پیچیدگی و وسعت قلمرو وظایف و عناصر متشکله مدارس امروز در مقایسه با مدارس گذشته نیاز به مدیران شایسته را در اولویت قرار داده است (عارفخانی، ۱۳۸۵).

نهایتاً عوامل برون مدرسه ای موثر بر ضعف یادگیری دانش آموزان بر آمده از این تحقیق به تأثیر مسائل خانوادگی، درگیری با موبایل و فضای مجازی، ارتباط با گروه دوستان و همسالان و معضلات کلان نظام آموزشی اشاره می کند. در پژوهش رحمانی و همکاران (۱۳۸۲) سبک تربیتی والدین و میزان حمایت انگیزشی از فرزندان در موفقیت تحصیلی شان مهم ارزیابی شده است. همچنین زارع و شفیع (۱۳۹۰) به نقش سرمایه های فرهنگی و اقتصادی خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تأکید کرده اند. پژوهش معتقد لاریجانی (۱۳۹۳) نشان داد که بین کارکرد اقتصادی پایین خانواده با کارایی ضعیف تحصیلی نوجوانان رابطه معناداری وجود داشته و دانش آموزان با جو خانوادگی ناکارآمد به طور معناداری وضعیت تحصیلی نامناسب دارند. از سوی دیگر، در تحقیق علیزاده و همکاران (۱۳۹۵) این نتیجه گزارش شده که گسترش فضای مجازی در حوزه رابطه فرزندان و والدین تغییراتی بوجود آورده است که از جمله آنها کاهش نقش خانواده به عنوان مرجع، کم شدن ارتباط والدین با فرزند، شکاف نسلی و از بین رفتن حریم بین فرزندان و والدین است. کرامتی

¹ Supovitz

و عمادیان (۱۳۹۵) و ادیبی (۱۳۹۴) در تحقیقات خود نتیجه گیری کردند که استفاده کنندگان مفرط از تلفن همراه، مدت زمان کوتاه‌تری را به مطالعه و درس خواندن و انجام تکالیف درسی اختصاص می‌دهند. مطالعه لی^۱ و همکاران (۲۰۰۷) نشان داد دانش‌آموزانی که عضو شبکه‌های اجتماعی هستند، در اغلب موارد شب‌ها به این شبکه‌ها وارد می‌شوند که این موضوع می‌تواند سبب ایجاد خستگی روزانه به علت اختلال در میزان خواب گردد که خود را به صورت عدم تمرکز در طی فرایند یادگیری و افت عملکرد تحصیلی نشان می‌دهد. همچنین، تحقیق رحیمی نیا و زوار (۱۳۹۴) نشان داد که گروه همسالان یکی از مهم‌ترین عوامل تاثیرگذار بر رفتارهای دانش‌آموزان است و همکلاسی‌ها به عنوان یکی از منابع یادگیری نقش مهمی در رفتارهای کلاسی و عملکرد دانش‌آموزان دارند (رحیمی نیا و زوار، ۱۳۹۴). باب المرادی و عسگری (۱۳۹۶) و کارشکی و هاشمی (۱۳۹۳) نیز مسئله واقعیات کلان اجتماعی و ادراک آن را توسط دانش‌آموزان مورد توجه قرار داده و در پژوهش خود بدین نتیجه رسیدند که بین چشم انداز آینده و پیشرفت تحصیلی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. پژوهش قهرمانی (۱۳۸۴) عدم ثبات در سیاست‌ها و برنامه‌های آموزش و پرورش، فقدان نگرش نظام‌گرا و همه‌جانبه در میان مدیران آموزش و پرورش، نداشتن چشم انداز بلند مدت و نبود تخصص کافی بین مدیران آموزشی و ... را به عنوان مشکلات اساسی و ساختاری آموزش و پرورش ایران مطرح کرده است.

به هر حال، با توجه به نتایج و یافته‌های حاصل از این تحقیق می‌توان پیشنهاد کرد که در نظام آموزش و پرورش کشور به خصوص در سطوح عملیاتی یعنی مدارس و مراکز آموزشی ضرورت دارد که برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات لازم جهت حصول و ارتقای کیفی امر یادگیری به عنوان هدف اصلی نظام آموزشی انجام بگیرد. بدیهی است بخشی از این اقدامات اصلاحی می‌تواند در راستای توانمندسازی و رشد هر چه بیشتر قابلیت‌های فردی دانش‌آموزان به لحاظ روحی و روانی، الگوهای فکری و اطلاعاتی، برخورد درست با مشکلات و چالش‌های دوران بلوغ و رشد مهارت‌های تصمیم‌گیری و حل مسئله باشد تا آنان بتوانند در موقعیت‌های مختلف آموزشی همچون فردی بالغ و رشد یافته عمل کنند. در واقع، این مسئله بسیار مهمی است که مدارس به موازات انجام وظایف معمول تدریس و انتقال آموزش به فراگیران، زمینه رشد و بالفعل ساختن ظرفیت‌های رفتاری، ارتباطی و شخصیتی آنها را نیز فراهم کنند تا دانش‌آموزان هم در امر یادگیری خود توفیق لازم را داشته و هم به عنوان شهروندی که در آینده نزدیک عهده‌دار مناصب و تکالیف اجتماعی خواهند شد از آمادگی‌ها و شایستگی‌های لازم برخوردار باشند.

از سوی دیگر، پیش‌بینی و اقدام نظام آموزشی در جهت رفع مشکلات و معضلات مبتلابه مدارس و مراکز آموزشی و برنامه‌ریزی علمی تر و اصولی تر در زمینه رشد شایستگی‌های علمی، فنی، اخلاقی و رفتاری معلمان و دبیران و طراحی و اجرای دوره‌های دانش‌افزایی و مهارت‌افزایی روش‌های تدریس و شیوه‌های ارزشیابی جدید، ایجاد و آماده‌سازی کلاس‌های درس و محیط‌های آموزشی شاد و جذاب و برخوردار از ظرایف هنری و زیبایی‌شناختی، اصلاح کیفی کتب درسی به لحاظ شکلی و محتوایی و توجه جدی و شایسته

¹ Li

به وضعیت مدیریت مدارس و بکارگیری مدیران متخصص و حرفه‌ای و همه و همه نقشی سازنده و پایدار در بهبود وضعیت یادگیری فراگیران دارند.

در نهایت، توجه و اهتمام نظام کلان فرهنگی، اجتماعی و تربیتی حاکم بر جامعه در جهت آموزش اصولی خانواده‌ها و رشد مهارت‌ها و صلاحیت‌های آنها در دوران پرشتاب تغییر و تحولات زمانه کنونی، فرهنگ سازی و ارائه آموزش‌های لازم به جوانان در زمینه استفاده موثر از اینترنت و فضای مجازی، اعمال اصلاحات در روند های مدیریتی و برنامه‌ریزی کشور به ویژه از منظر تمرکززدایی و توجه هر چه بیشتر به سیاست‌ها و برنامه‌های غیرمتمرکز و واگذاری اختیارات و مسئولیت‌ها به ادارات آموزش و پرورش و مدارس می‌تواند زمینه کارآمدی و اثربخشی هر چه بیشتر مدارس کشور را فراهم ساخته که حاصل و نتیجه مستقیم آن پیشرفت و بهبود کیفیت یادگیری دانش آموزان خواهد بود.

منابع

- احمدپور، آرام؛ سامی، رقیه؛ و شاهی، رقیه (۱۳۹۲). بررسی تاثیر استفاده از تخیل در کتاب‌های درسی بر خلاقیت دانش‌آموزان. *همایش ملی تغییر برنامه درسی دوره‌های تحصیلی آموزش و پرورش، دانشگاه بیرجند*.
- ادیبی، مریم (۱۳۹۴). *بررسی رابطه میزان استفاده از شبکه‌های اجتماعی (مجازی) و مهارت‌های مدیریت زمان با افت تحصیلی در دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه ناحیه ۴ شیراز*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی، واحد مرودشت.
- باب المرادی، ناهید و عسگری، پرویز (۱۳۹۶). رابطه باورهای انگیزشی و چشم انداز آینده با عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان دختر پایه سوم متوسطه شهر اهواز. *فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌سنجی*، ۶(۲۱): ۲۲۰-۱۹۰.
- برجعی، احمد (۱۳۹۶). *الگوی تأثیر انگیزه تحصیلی بامیانجی گری سرمایه روان‌شناختی بر موفقیت تحصیلی*. فصلنامه فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی، دانشگاه علامه طباطبایی، ۹(۳۳): ۱۹-۱.
- برهانی زرنندی، افسانه (۱۳۹۲). *بررسی رابطه رویکردهای تدریس اساتید با رویکردهای یادگیری و پیشرفت تحصیلی دانشجویان کارشناسی ارشد علوم انسانی، ادبیات و فنی-مهندسی دانشگاه یزد در سال تحصیلی ۹۰-۹۱*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی، گروه علوم تربیتی، دانشگاه یزد.
- بهرنگی، محمدرضا و صیدی، سعید (۱۳۹۶). *بررسی تأثیر آموزشی و پرورشی الگوی مدیریت آموزش خودراهبر در علوم دینی بر یادگیری خودراهبر و پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان*. مدیریت برآموزش سازمانها، ۶(۱): ۲۴۷-۲۱۱.
- تلخابی، سعید (۱۳۹۴). *تأثیر الگوی طراحی آموزشی چهار مولفه‌ای بر یادگیری و یاد داری سطوح بالای شناختی دانش‌آموزان در درس ریاضی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی.
- دانایی فرد، حسن؛ الوانی، سید مهدی؛ و عادل، آذر (۱۳۸۳). *روش‌شناسی پژوهش کیفی در مدیریت*. رویکردی جامع، تهران: صفار.
- رحمانی، فرناز؛ سید فاطمی، نعیمه؛ برادران رضایی، مهین؛ و صداقت، کامران (۱۳۸۲). *ارتباط شیوه تربیتی والدین با میزان شایستگی تحصیلی دانش‌آموزان نوجوان مدارس شهر تبریز*. فصلنامه اصول بهداشت روانی، ۸(۲۹ و ۳۰): ۱۱-۱۶.
- رحیمی نیا، شب بو و زوار، تقی (۱۳۹۴). *نقش همسالان در رفتارهای کلاسی دانش‌آموزان*. دومین کنفرانس ملی توسعه پایدار در علوم تربیتی و روانشناسی، مطالعات اجتماعی و فرهنگی.
- روحانی، عباس و ماهر، فرهاد (۱۳۸۶). *اثر نوع ارزشیابی بر جو کلاس، ویژگیهای عاطفی و خلاقیت دانش‌آموزان*. فصلنامه اندیشه های تازه در علوم تربیتی، ۲(۴): ۷۰-۵۵.
- زارع، بیژن و شفیعی، فرزانه (۱۳۹۰). *بررسی نقش سرمایه‌های فرهنگی و اقتصادی خانواده و نوع مدرسه در پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی منطقه ۱۴ تهران*. جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، شماره ۱: ۷۰-۳۷.

- سیف، علی اکبر (۱۳۹۲). *روانشناسی پرورشی نوین: روانشناسی یادگیری و آموزش*. (ویرایش هفتم). تهران: دوران.
- شریفی درآمدی، پرویز؛ اعظمی، یوسف؛ حسنونند، باقر؛ جلالوند، محمد؛ و بابامحمدی، معصومه (۱۳۹۵). بررسی نقش رویکردهای یادگیری در رابطه بین سبک دلبستگی به والدین و پیشرفت تحصیلی. *دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۴(۷):۱۲۶-۱۰۹.
- صاحبی، علی (۱۳۹۳). *تئوری انتخاب در مدرسه*. تهران: سایه سخن.
- طباییان، سیده مرضیه؛ حبیب، فرح؛ و عابدی، احمد (۱۳۹۰). دیدگاه دانش آموزان دبیرستان های مطلوب و نامطلوب نسبت به رنگ فضای آموزشی و راه های بهبود کیفیت فضای تحصیلی. *نوآوری های آموزشی*، ۱۰(۳۸): ۹۳-۱۰۶.
- عارفخانی، حسن (۱۳۸۵). بررسی میزان شناخت مدیران از وظایف مدیریت آموزشی و تأثیر آن بر موفقیت شغلی آنان از نظر دبیران دبیرستانهای پسرانه شهرستان نیشابور، *پایان نامه کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی*. دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی. دانشگاه شهید بهشتی.
- عبدلی، افسانه؛ زین الدینی میمند، فاطمه؛ و آیتی، محسن (۱۳۹۶). آسیب شناسی فرایند برقراری ارتباط در فرایند یاددهی-یادگیری از دیدگاه دبیران و دانش آموزان دبیرستان های شهر اصفهان. *فصلنامه خانواده و پژوهش*، ۲۹(۳۵): ۸-۲۹.
- علی بخشی، زهرا و زارع، حسین (۱۳۸۹). اثربخشی آموزش خود تنظیمی یادگیری و مهارتهای مطالعه بر پیشرفت تحصیلی دانشجویان. *فصلنامه روانشناسی کاربردی*، ۴(۳): ۶۹-۸۰.
- علیزاده، سپیده؛ حقیقی، فهیمه السادات؛ و ساعی ارسبی، ایرج (۱۳۹۵). تأثیر اعتیاد به شبکه های اجتماعی بر پیشرفت تحصیلی و کارایی دانشجویان علمی- کاربردی استان تهران. *فصلنامه علوم رفتاری*، ۱۸۵-۱۶۷.
- فرنیا، محمدعلی؛ اقدسی، علی نقی؛ و شوشتری، ودود (۱۳۹۲). بررسی تأثیر بازخورد در ارزشیابی تکوینی بر پیشرفت تحصیلی درس ریاضی دانش آموزان دختر پایه پنجم ابتدایی شهرستان میاندوآب در سال تحصیلی ۹۰-۸۹. *فصلنامه آموزش و ارزشیابی*، ۶(۲۴): ۶۷-۷۸.
- قهرمانی، محمد (۱۳۸۴). بهسازی نظام تصمیم گیری در آموزش و پرورش از دیدگاه اعضای هیات علمی دانشکده های علوم تربیتی دانشگاه های تهران و مدیران و کارشناسان ستادی وزارت آموزش و پرورش. *فصلنامه نوآوری های آموزشی*، ۴(۱۳): ۳۲-۵۷.
- کارشکی، حسین؛ و هاشمی، سیده زهرا (۱۳۹۴). نقش آینده نگری در انگیزش و عملکرد یادگیرنده: جستجوی ریشه های عملکرد و انگیزش در دورنمای آینده. *دومین همایش ملی روان شناسی تربیتی*. دانشگاه تربیت دبیر شهید رجایی.
- کجباف، محمد باقر؛ مولوی، حسین؛ و شیرازی، تهرانی، علیرضا (۱۳۸۲). رابطه باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خودتنظیمی با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دبیرستانی شهر اصفهان. *مجله تازه های علوم شناختی*، ۵(۱): ۲۷-۳۳.
- کرامتی، میسر و عمادیان، سیده علیا (۱۳۹۵). رابطه رشد اخلاقی، اعتیاد به پیامک و افت تحصیلی دانش آموزان. *فصلنامه فن آوری اطلاعات و ارتباطات در علوم تربیتی*، ۶(۴): ۱۱۱-۱۲۶.
- کرمعلیان، حسن؛ جعفری هرنندی، رضا؛ عبادی، حسین. (۱۳۹۲). بررسی مشکلات اجرای ارزشیابی کیفی توصیفی از دیدگاه معلمان و مدیران مدارس ابتدائی. *رویکردهای نوین آموزشی*، ۲(۸): ۷۳-۹۲.
- کشاورزی، فهیمه و مرزوقی، رحمت الله (۱۳۹۵). نقش و اهمیت برنامه درسی ضمنی در فرآیند یاددهی و یادگیری دانشجویان با نگاهی به برنامه درسی پنهان. هفتمین همایش ملی انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران، فلسفه تعلیم و تربیت و قلمرو علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه شیراز.
- گال، مردیت و همکاران (۱۳۹۲). *روش های تحقیق کمی و کیفی (جلد اول)*. ترجمه احمدرضا نصر و همکاران، تهران: سمت
- مجیدی، رضا؛ شهنی بیلاق، منیجه؛ و حقیقی مبارکه، جمال (۱۳۹۳). رابطه علی هوش عمومی و هوش هیجانی بر پیشرفت تحصیلی، با میانجی گری اضطراب امتحان و سازگاری، در دانش آموزان سال اول دبیرستان. *دو فصلنامه علمی-پژوهشی* دانشگاه شاهد، ۲۲(۶): ۱-۱۸.

لطف عطا، آ (۱۳۸۷). تاثیر عوامل محیطی بر یادگیری و رفتار در محیط های آموزشی (ابتدایی) در شهر. مدیریت شهری، ۶(۲۱): ۷۳-۹۰.

محمد پور، احمد و بهمنی، مریم (۱۳۸۹). زنان، پاساژ و مصرف نشانه ها. *مطالعات راهبردی زنان (کتاب زنان)* ۱۲(۴۷)، ۴۱-۷۲
 محمدمینا، زرار (۱۳۹۲). مقایسه اثربخشی آموزش راهبردهای یادگیری خودتنظیمی و حل مسئله بر فرسودگی تحصیلی، خودکارآمدی و انگیزش تحصیلی دانش آموزان اهل کار. رساله دکتری، دانشکده روانشناسی، دانشگاه محقق اردبیلی.
 محمودیان، حسن؛ عباسی، مسلم، پیرانی، ذبیح؛ و شاه علی کبورانی، فاطمه (۱۳۹۷). نقش اشتیاق عاطفی، شناختی و رفتاری یادگیری در پیش بینی فرسودگی تحصیلی دانشجویان. *دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۶(۱۰): ۲۰۶-۱۹۷.
 معتقدلاریجانی، محمد (۱۳۹۳). نقش خانواده در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان دوره راهنمایی شهر تهران. *فصلنامه روانشناسی تربیتی*، ۱۰(۳۱): ۲۲۲-۲۱۲.

مقیم، سید محمد؛ خنیفر، حسین؛ زروندی، نفیسه؛ جوکار، احمد؛ بیان معمار، سید احمد؛ و فرجی ارمکی، اکبر (۱۳۸۹). مطالعه و بررسی رابطه بین عوامل آموزشی و افت تحصیلی در میان دانش آموزان پسرآموزشگاه های راهنمایی. *دو فصلنامه مدیریت برنامه ریزی در نظام آموزشی*، ۳(۴): ۱۶۰-۱۴۴.

ملکی، حسن (۱۳۷۴). *سازماندهی محتوای برنامه درسی*. تهران: نشر قو.

منصوریان، یزدان (۱۳۹۱). هفتاد نکته کاربردی در طراحی و اجرای پژوهش های کیفی. *کتاب ماه کلیات*، ۱۵(۸).

موسوی نژاد، عبدالمجی (۱۳۷۶). *بررسی رابطه باورهای انگیزشی و راهبردهای یادگیری خود نظم داده شده با پیشرفت تحصیلی دانش آموزان سال سوم راهنمایی*. پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.

مهرمحمدی، محمود (۱۳۸۷). *تاملی در ماهیت نظام متمرکز برنامه ریزی درسی*، در محمود مهرمحمدی و همکاران، *برنامه درسی، نظرگاهها، رویکردها و چشم اندازها*. تهران: بیانسمت و آستان قدس رضوی.

نصر اصفهانی، احمدرضا؛ معین پور، حمیده؛ و ساعدی، عاطفه (۱۳۸۳). تأثیر عوامل فیزیکی کلاس بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان. *فصلنامه پژوهش های تربیتی و روانشناختی*، شماره ۴: ۶۸-۵۴.

نیرومند علی بابالو، فاطمه (۱۳۹۷). *رابطه هیجان های تحصیلی، خودکارآمدی تحصیلی و تاب آوری تحصیلی با اشتیاق تحصیلی دانش آموزان*. پایان نامه کارشناسی ارشد رشته روانشناسی تربیتی، دانشگاه محقق اردبیلی.

وحیدی، زهرا و براتعلی، مریم (۱۳۹۶). پیش بینی میزان پیشرفت تحصیلی دانش آموزان متوسطه بر اساس مهارتهای فراشناختی و خودنظم بخشی. *دو ماهنامه علمی راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۱۰(۲): ۱۱۴-۱۰۳.

وکیلی، نجمه و ولی پور، ناهیده (۱۳۹۴). بررسی رابطه بین محیط فیزیکی با میزان یادگیری و شادکامی دانشجو معلم پسر دانشگاه فرهنگیان. *فصلنامه علمی پژوهشی تحقیقات مدیریت آموزشی*، ۶(۳): ۵۳-۲۸.

Chan, Yuen Fook & Sidhu, Gurnam (2015). Investigating Learning Challenges Faced by Students in Higher Education. *Procedia of Social and Behavioral Sciences*. 186 (-): 604-612. 10.1016/j.sbspro.2015.04.001.

Cohen, Elisabeth G, & Lotan, Rachel A. (2014). *Designing Groupwork: Strategies for the Heterogeneous Classroom Third Edition*: Teachers College Press.

Entwistle, N. J. (2000). Promoting deep learning through teaching and assessment: Conceptual frameworks and educational contexts. Paper presented at the TLRP Conference, Leicester.

Gayle, B. M., Preiss, R.W., Burrell, N. & Allen. M. (2006). *Classroom communication and instructional Processes: Advances through meta-analysis processes*. Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum Associates, Inc.

Hallinger, Philip, Heck, Ronald H, & Murphy, Joseph (2014). Teacher evaluation and school improvement: An analysis of the evidence. *Educational Assessment, Evaluation and Accountability*. 26(1): 5-28.

- Hattie, J. (2009). *Visible learning: A synthesis of over 800 meta-analyses relating to achievement*. London: Routledge.
- Kapur, Radhika (2018). Handling and Learning Disabilities and Problems. Available at: www.researchgate.net/publication/323771224_Handling_and_Learning_Disabilities_and_Problems
- Kraft, Matthew. A., David Blazar., & Dylan Hogan (2018). The Effect of Teacher Coaching on Instruction and Achievement: A Meta-Analysis of the Causal Evidence. *Review of Educational Research*, XX(X), 1-42.
- Lee WWS. (2017). Relationships among grit, academic performance, perceived academic failure, and stress in associate degree students. *J Adolesc.* 60:148-152.
- Lerner, R. M., & Callina, K. S. (2013). Relational developmental systems theories and the ecological validity of experimental designs: Commentary on Freund and Isaacowitz. *Human Development*, 56 (6), 372–380. Doi: 10.1159/000357179.
- Li, S, Jin, X, Wu, S, Jiang, F, Yan, C., & Shen, X. (2007). The impact of media use on sleep patterns and sleep disorders among school-aged children in china. *Sleep*, 30 (3):361-367.
- Morrow R, Rodrigiez A and King N (2015). Colaizzi's descriptive phenomenological method. *The Psychologist*, 28 (8): 643–644.
- Pei, L. (2014). Does metacognitive strategy instruction indeed improve Chinese efl learners' reading comprehension performance and metacognitive awareness? *Journal of Language Teaching & Research*, 5 (5): 1147.
- Sakat, Ahmad Asmadi., Zin, Mohamad Zaid Mohd., Mohamad, Rusli., Ahmad, Anzaruddin., Ahmad., Nurfahiratul Azlina., & Kasmoo, Mohd Arip (2012). Educational Technology Media Method in Teaching and Learning Progress. *American Journal of Applied Sciences*. 9(6):874.
- Shek DTL, Chai W. (2020). The Impact of Positive Youth Development Attributes and Life Satisfaction on Academic Well-Being: A Longitudinal Mediation Study. *Front Psychol.* 1(11):2126.
- Slavin, Robert. E. (2017). *Educational Psychology: Theory and Practice* (Twelfth Edition). New York: Pearson.
- Supovitz, J., Sirinides, P., & May, H. (2010). How principals and peers influence teaching and learning. *Educational Administration Quarterly*. 46(1), 31-56.
- Tengku Kasim, Tengku., & Abdurajak, Fatimah Sahida (2018). Issues and Challenges in Teaching and Learning: An Analysis of Islamic Education Novice Teachers' Practices. *International Journal of Education, Psychology and Counseling*. 3 (1): 99-109.